



"واکاوی برخی مخالفتها با کنفرانس های علمی ضد اشغالگری در جمهوری اسلامی ایران!" منافع ملی تحت الشعاع دوستیهای نافرجام رئیس یک نمایندگی

نظریه اینکه برگزاری این گونه کنفرانسهای علمی با حضور کارشناسان دارای گرایشهای مختلف سیاسی اجتماعی از برخی کشورهای همسایه و با محوریت "سازمان های مردم نهاد" وبا پشتیبانی برخی مراکز علمی و دانشگاهی در جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت تاثیرگذار منطقه؛ امری عادی و مسبوق به سابقه بوده و نمادی از اقتدار و مرجعیت سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می شود؛ آنچه اسباب تعجب و تاسف گردیده؛ اعمال فشار جدی و تلاشهای مستمر و البته بلا نتیجه برخی محافل دولتی در استانهای شمالغرب به منظور لغو این نشستها می باشد.

طی روزهای گذشته (21-24 مهرماه 97) هیئتی از فعالان سیاسی - اجتماعی جمهوری آذربایجان که با گرایشهای مختلف فکری در راستای آزادی " قره باغ " فعالیت می نمایند؛ با سفر به جمهوری اسلامی ایران در سه کنفرانس و همایش علمی در شهرهای تبریز، زنجان و اردبیل شرکت نموده و به تبیین نکته نظرات خود پرداختند.

کنفرانس های یاد شده با موضوع "بررسی پیامدهای تروریسم، تجزیه طلبی و اشغال در منطقه " و با تاکید بر "پیامدهای تطویل مناقشه قره باغ و راهکارهای پایان این مناقشه " و نیز تبیین جمله معروف " قره باغ خاک اسلام است " برگزار شدند که اخبار تفصیلی این برنامه ها در برخی رسانه های پر مخاطب و نیز فضای مجازی جمهوری آذربایجان و همچنین تعدادی از رسانه های کشورمان منعکس گردیده است .

نظریه اینکه برگزاری این گونه کنفرانسهای علمی با حضور کارشناسان دارای گرایشهای مختلف سیاسی اجتماعی از برخی کشورهای همسایه و با محوریت "سازمان های مردم نهاد" وبا پشتیبانی برخی مراکز علمی و دانشگاهی در جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت تاثیرگذار منطقه؛ امری عادی و مسبوق به سابقه بوده و نمادی از اقتدار و مرجعیت سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می شود؛ آنچه اسباب تعجب و تاسف گردیده؛ اعمال فشار جدی و تلاشهای مستمر و البته بلا نتیجه برخی محافل دولتی در استانهای شمالغرب به منظور لغو این نشستها می باشد.

این تلاشها گرچه نتیجه مد نظر مخالفان برگزاری این گونه کنفرانسهای علمی را در پی نداشت؛ لیکن حداقل بنا به چهار دلیل ذیل الذکر اسباب تاسف است : اولاً" این تلاشهای غیر ضرور و ناهمسو با منافع ملی کشور، از جانب کسانی صورت می گیرد که در علاقمندی آنان به منافع ملی کشور کمترین تردیدی وجود ندارد ، ثانیاً تلاشهای فوق اگر در زمینه های دیگری مانند مشکلات موجود در حوزه اقتصاد و... به کار گرفته می شد چه بسا در رفع بخشی از نابسامانیها مفید واقع می گردید؛ ثالثاً این تلاشها باعث ایجاد زحمتهای حاشیه ای برای متولیان برگزاری این کنفرانس ها شده است که این زحمت ها هم می توانست در یک عرصه ضروری دیگری مورد استفاده قرار گیرد. رابعاً این گونه حرکتیهای ایذایی می تواند همبستگی مورد نیاز برای پیشبرد اهداف متعالی انقلاب اسلامی را خدشه دار نماید.

البته برگزاری این نوع برنامه ها؛ مخالفان دیگری از جمله محافل ضد ایرانی در حاکمیت جمهوری آذربایجان؛ دولت ارمنستان و رژیم نامشروع صهیونیستی نیز داشته است که دلایل نگرانی و ناخرسندی آنها بر خلاف دلایل مخالفت محافل دولتی داخل کشور بسیار روشن و شفاف است.

مناقشه قره باغ؛ سیاست خارجی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران :

مناقشه قره باغ در جوارمرزهای جمهوری اسلامی ایران طی سالهای پس از فرو پاشی شوروی؛ همواره یکی از چالشهای سیاست خارجی منطقه ای جمهوری اسلامی و ازجمله موانع توسعه اقتصادی اجتماعی مناطق همجوار این مناقشه بوده و هست و بررسی سیاست خارجی پر فراز و نشیب کشورمان در قبال این مناقشه؛ موید این نکته اساسی است که جمهوری اسلامی ایران بیشترین هزینه های مادی، انسانی، دیپلماتیک و معنوی در ارتباط با این مناقشه را متحمل گردیده ولی متأسفانه نه تنها دستاورد مطلوبی نداشته، بلکه همین مناقشه؛ بستر تبلیغات ضد ایرانی بسیاری گردیده است که نتایج آن در نگرش سوال برانگیز و حتی منفی بخشهایی از افکار عمومی جمهوری آذربایجان نسبت به ایران و مهم تر از آن در دیدگاه های بخشهایی از مردم شمالغرب کشور نسبت به رفتارها و اقدامات جمهوری اسلامی در قبال مناقشه قره باغ مشخص و مبرهن است.

نظام جمهوری اسلامی ایران در جریان جنگ قره باغ؛ ازهیچ کمکی به مردم و دولت جمهوری آذربایجان دریغ ننموده است. فرمایشات روشن و صریح مقام معظم رهبری در خصوص مناقشه قره باغ و ابراز خرسندی از الحاق جمهوری آذربایجان به پیکر امت اسلامی و اشاره به اینکه " قره باغ خاک اسلام است" به همراه چندین موضع حمایتی دیگر؛ میانجیگری دیپلماتیک وزارت امور خارجه وقت درخصوص مناقشه قره باغ که علیرغم حصول نتیجه اولیه با تحریک روسها و کارشکنی ارامنه بلا اثرماند، ارائه کمکهای مستشاری و آموزشی، پشتیبانی لجستیکی در حد لزوم، ارسال تسلیحات نظامی، برپایی اردوگاه یکصد هزار نفری برای آواره گان آذری، برقراری راه ارتباطی بین جمهوری آذربایجان با بخش برونگان نخجوان، تامین نیازهای ضروری از جمله انرژی مورد نیاز مردم نخجوان و آذربایجان، استقرار شعبه کمیته امداد امام خمینی در باکو و شهرهای دیگر آذربایجان و ارائه خدمات به آواره گان قره باغ که تا سالهای اخیر ادامه داشت و... نمونه هایی از اقدامات حمایتی ایران از دولت و مردم مسلمان جمهوری آذربایجان می باشد که به دلیل برخی ملاحظات دیپلماتیک و بعضی دلایل خود ساخته و غیر ضرور؛ متناسب با حجم این اقدامات و کمکها؛ برنامه های تبلیغی و رسانه ای صورت نگرفته و حتی موضوعی مانند ساقط شدن هواپیمای سی 130

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ 17 مارس 1994 بر فراز مناطق تحت اشغال ارمنستان به گونه مناسبی بازتاب رسانه ای نیافته است و لذا بخش گسترده ای از مردم جمهوری آذربایجان و حتی برخی فعالان سیاسی اجتماعی این کشور اطلاع چندانی در خصوص کمکهای فوق ندارند و هرگاه گروهی از مردم و کارشناسان مسلمان آذربایجان از این کمکها و سیاستهای حمایتی ایران آگاه می شوند؛ اشک شوق از چشمان آنها سرازیر می گردد و به سالهای بی اطلاعی از این حمایتهای برادرانه و بدبینی های ناشی از آن حسرت می خورند.

سکوت رسانه ای جمهوری اسلامی ایران در خصوص حمایتهای غیر قابل توصیف خود از مردم مسلمان و شیعه آذربایجان از یک سو و تبلیغات ناصواب و ضد ایرانی ناشی از عداوت و دشمنی برخی گروه های قوم گرا و محافل ایران ستیز و ضد شیعی جمهوری آذربایجان که غالبا وابسته به رژیم صهیونیستی و آمریکا هستند از سوی دیگر و در عین حال رقابت بی ملاحظه برخی کشورها از جمله ترکیه با جمهوری اسلامی ایران که در صدد بی اعتماد سازی افکار عمومی آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران بوده اند و... مجموعا باعث گردیده است که در حال حاضر و علیرغم اقدامات بسیارمناسب و تاثیر گذار که طی چند سال گذشته از سوی برخی گروه ها و موسسات مردم نهاد کشورمان در راستای تنویر افکار عمومی آذربایجان و تبیین واقعیات جنگ قره باغ صورت گرفته است؛ همچنان ضرورت انجام اقدامات روشنگرانه مبتنی بر دیپلماسی عمومی در جهت شبهه زدایی در خصوص سیاستها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در قبال مناقشه قره باغ احساس گردد و در این شرایط؛ ضرورت برگزاری کنفرانس هایی مانند آنچه روزهای گذشته در سه شهر مهم کشورمان برگزار گردید؛ کاملا مشخص است.

دلایل مخالفین برگزاری کنفرانس های روشنگرانه ضد اشغالگری در ایران:

دلیل مخالفت رژیم صهیونیستی

دولت جمهوری آذربایجان به دلیل موقعیت استراتژیک و برخورداری از منابع غنی انرژی و مهمتر از اینها با توجه به همجواری با ایران شیعی از بدو فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی مورد توجه قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای قرار گرفته و در این میان رژیم صهیونیستی با استناد به "دکترین پیرامونی بن گورین" و با سوء استفاده حداکثری از مناقشه قره باغ و از طریق وعده کمک به آزادی قره باغ از طریق فروش تسلیحات مدرن نظامی به باکو توانسته است هم بازار مناسبی برای فروش تسلیحات خود پیدا نماید و هم نیاز خود به انرژی را تامین نماید و علاوه برآن با الگوگیری از تاثیرگذاری ایران در صحنه سیاسی لبنان؛ کوشیده است از طریق ایجاد گروه های حامی در باکو و تاثیرگذاری همه جانبه بر بخشهایی از حاکمیت آذربایجان؛ ضمن جلوگیری از گسترش و تحکیم روابط همه جانبه ایران و جمهوری آذربایجان که از لحاظ ترکیب جمعیتی به ترتیب اولین و دومین کشور شیعی در جهان شناخته می شوند؛ نفوذ همه جانبه خود در جمهوری آذربایجان را تقویت نماید و طبیعی است در این شرایط با هر اقدام روشنگرانه ای که بتواند ابهامات و شبهات افکار عمومی آذربایجان در خصوص سیاست خارجی ایران در قبال مناقشه قره باغ را رفع نماید؛ مخالف باشد؛ مخالفت رژیم صهیونیستی با این کنفرانس ها صرفا یک تحلیل ذهنی منطبق بر واقعیات سیاسی آذربایجان نیست بلکه در پائیز سال 1392 که قرار بود "همایش بین المللی قره باغ در دانشگاه تبریز" برگزار گردد؛ این رژیم صهیونیستی بود که وزارت امور خارجه آذربایجان را برای احضار سفیر وقت ایران در باکو تحت فشار قرار داد؛ در همین ارتباط بعدها برخی فعالان رسانه ای نسبتا مستقل جمهوری آذربایجان هم اذعان نمودند که در آن مقطع سفارت رژیم صهیونیستی با ارسال هدیه و بعضا با تهدید تعدادی از آنان خواستار انتشار مطالبی علیه برگزاری "همایش بین المللی قره باغ در دانشگاه تبریز" شده بود.

رژیم صهیونیستی از این جهت مخالف برگزاری این گونه کنفرانس های روشنگرانه است که اگر مردم آذربایجان مخصوصا گروه های تاثیر گذار در این کشور از میزان و حجم کمکهای نظامی ایران به جمهوری آذربایجان در زمان جنگ قره باغ آگاه شوند و مطلع گردند که بعد از گذشت سالها هنوز بخشی از پول سلاحهای ارسالی ایران به باکو پرداخت نشده است و... آن گاه همین مردم و گروه ها؛ معترضین اصلی روابط نظامی و تسلیحاتی باکو-تلاویو خواهند شد. رژیم صهیونیستی از این واهمه دارد که با تبیین واقعیات قره باغ و مشخص شدن نقش حمایتی ایران از دولت و مردم آذربایجان؛ این رژیم حداقل بخشی از بازار فروش سلاح های خود را از دست بدهد و مهمتر از آن از میزان تاثیر گذاری ابزار "قره باغ" برای نفوذ در ارکان مختلف آذربایجان کاسته شود.

دلیل مخالفت ارمنستان

مخالفت جمهوری ارمنستان به عنوان همسایه ایران و یکی از طرفین مناقشه قره باغ با برگزاری کنفرانسهای مورد بحث موضوعی بدیهی و آشکار است. البته ارمنستان که دارای روابط مشخصی با رژیم صهیونیستی و آمریکا بوده و تحت حمایت روسیه توانسته است 20 درصد خاک کشور مسلمان آذربایجان را اشغال نماید، در شرایطی نیست که بتواند مخالفت موثری با اقدامات و سیاستهای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

در سال 1392 و در آستانه موعد مقرر جهت برگزاری "همایش بین المللی قره باغ در دانشگاه تبریز"؛ دولت ارمنستان هم از طریق دیپلماتیک و هم از طریق برخی لابی های ارمنی؛ اعتراض خود به برگزاری همایش یاد شده را اعلام نمود که استنادات قوی و دلایل محکم متولیان برگزاری همایش مانع به نتیجه رسیدن تلاشهای آنان گردید؛ گرچه بعدا وزارت امورخارجه آذربایجان با احضار کاردار وقت کشورمان در باکو (در غیاب سفیر) عملا زمینه تحقق خواست ارمنستان (عدم برگزاری همایش بین المللی قره باغ در آن مقطع زمانی) را فراهم کرد.

طی روزهای اخیر برخی رسانه های ارمنستان ادعا نموده اند که یک کنفرانس ضد ارمنی در شهر زنجان ایران با دخالت مقامات

ایرانی لغو شده است و این در حالی است که اولاً کنفرانس " قره باغ ، خاک اسلام " یک اقدام ضد ارمنی نبوده، بلکه برنامه ای علمی به منظور بررسی پیامدهای اشغالگری و تروریسم در منطقه بوده است و ثانیاً این کنفرانس لغو نگردیده و طبق برنامه مقرر برگزار شده و اخبار مربوط به آن نیز در سطح گسترده ای رسانه ای شده است.

ارمنستان که به " بهره مندی از لابی ارمنی " در کشورهای اروپایی و آمریکا عادت کرده است؛ مدتی است در صدد اجرای این تاکتیک در جمهوری اسلامی ایران نیز می باشد . اخیراً یکی از سایتهای حامی دولت ارمنستان که سردبیر آن سابقه سفر غیر قانونی به جمهوری خود خوانده قره باغ و انجام مصاحبه با فرد متوهمی که خود را وزیر امور خارجه این جمهوری خود خوانده می داند؛ داشته است ، طی مطلبی که در آن الگو گیری انقلاب اسلامی از دوران مظفرالدین شاه توصیه شده و شامل استدلالهای بی اساسی است، کوشیده است برگزاری کنفرانس هایی از نوع کنفرانسهای اخیراً بعنوان کشاندن مناقشات خفته به عمق ایران قلمداد نماید که نشانگر سطحی بودن معلومات نگارنده آن مطلب می باشد. مناقشه قره باغ مناقشه خفته ای نیست و برگزاری کنفرانس علمی هم کشاندن آن به داخل کشور نیست. درگیری های چند روزه آرامنه و آذری ها در آوریل 2016 که در جریان آن حتی سه گلوله انفجاری ارتش ارمنستان به نزدیکی یکی از روستاهای خدا آفرین کشورمان نیز اصابت نمود و همچنین تأکید چند باره "ترامپ" رئیس جمهور ماجرا جوی ایالات متحده آمریکا مبنی بر حل مناقشه قره باغ طی ماه های آینده و سفر قریب الوقوع " جان بولتون " به منطقه قفقاز و جمهوری آذربایجان که به اعتقاد کارشناسان یکی از محورهای اصلی این سفر، مناقشه قره باغ است و علاوه بر این؛ اظهار نظر اخیر سفیر آمریکا در ارمنستان که گفته است: « ارمنستان برای حل مناقشه قره باغ مجبور خواهد بود از آذربایجان عذر خواهی نماید» و... تنها چند دلیل آشکار بر بطلان ادعای نویسنده سایت حامی ارمنستان در خصوص خفته بودن مناقشه قره باغ می باشد. ضمناً دولتهای مختلف (به غیر از دولت جمهوری اسلامی ایران) هر کدام به نوعی در حال بهره برداری از این مناقشه در راستای منافع ملی خود هستند و در این شرایط؛ مخالفت با تلاش سازمان های مردم نهاد و دانشگاهی کشورمان برای تنویر افکار عمومی مردم مسلمان آذربایجان در خصوص زوایای پنهان مناقشه قره باغ؛ بسی جای تامل دارد.

در این بخش یاد آوری فرمایش صریح مقام معظم رهبری لازم به نظر می رسد که در تاریخ 5 مردادماه 1372 در جمع ده ها هزار نفر از مردم تبریز فرموده اند : « دولت ارمنستان و آرامنه قره باغ به مسلمانان این منطقه ستم می کنند و ما اقدامات اخیر آرامنه قره باغ را که به پشتیبانی دولت ارمنستان صورت گرفته است محکوم می کنیم و انتظار داریم آرامنه داخل کشور ما نیز رفتار آرامنه آن منطقه را محکوم کنند .»

البته مطالب فوق به معنای عدم توجه دیپلماتیک به ارمنستان به عنوان یکی از همسایگان جمهوری اسلامی ایران و نیز بی توجهی به تهدیدات فرهنگی و حتی امنیتی ناشی از فعالیت خارج از عرف دیپلماتیک سفارت آمریکا در ارمنستان و روابط پنهان و آشکار این کشور با رژیم صهیونیستی و... نمی باشد؛ ولی لازم است دولتمردان ارمنی متوجه ناخرسندی آشکار ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی از ادامه اشغال قره باغ و مناطق پیرامونی آن باشند.

دلیل مخالفت بخشهایی از حاکمیت آذربایجان در عین موافقت بخشهایی دیگر!

آگاهان مسائل آذربایجان به نیکی می دانند که از بدو استقلال جمهوری آذربایجان در همسایگی ایران اسلامی؛ برخی افراد و محافل حاکمیتی به دلیل رسوب فکری برجای مانده از دوران کمونیستها هم نگران عکس العمل مردم آذربایجان پس از بر ملا شدن تحریفات تاریخی بودند و هم دین را افیون توده ها می دانستند و لذا با جمهوری اسلامی ایران مخالف می کردند و از سوی دیگر قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای که از علاقمندی قلبی مردم جمهوری آذربایجان به ایران و اسلام اطلاع دقیق داشتند و مصادیقی از این علاقمندی قلبی را می دیدند؛ سیاست منزوی سازی ایران در جمهوری آذربایجان و بی اعتماد کردن مردم مسلمان این کشور به ایران را در پیش گرفتند که مخالفت آشکار آمریکا با دولت حیدر علی اف در خصوص واگذاری 5 درصدی کنسرسیوم نفتی به شرکت نفت جمهوری اسلامی ایران و دهها اقدام مشابه دیگر تنها نمونه هایی از سیاستهای پیش گفته می باشد.

در حال حاضر نیز تعدادی از همان افراد و همفکران آنها که در بخشهای تاثیرگذار حاکمیت آذربایجان حضور دارند ، در حال ایران ستیزی و تخریب روابط دو کشور هستند و به طور مشخص؛ مثلث ضد ایرانی شامل رئیس نهاد ریاست جمهوری آذربایجان (که همزمان دبیر شورای عالی امنیت ملی این کشور هم محسوب می گردد)، وزارت کشور و سرویس امنیتی دولت باکو و زیر مجموعه های رسمی و غیر رسمی آنان مانند بخشهایی از وزارت خارجه آذربایجان ، کمیته دولتی امور دینی، بخشهایی از مطبوعات و شبکه های تلویزیونی جمهوری آذربایجان و... به طور ملموسی در حال طراحی سیاست ایران ستیزی و اجرای اقدامات ضد ایرانی می باشند و مخالفت با هرگونه اقدام روشنگرانه درخصوص نقش سازنده و حمایتی ایران در زمان جنگ قره باغ ؛ یکی از الویتهای کاری این مثلث ضد ایرانی است.

آقای الهام علی اف رئیس جمهوری آذربایجان که طی سالهای گذشته در دیدارهای متعدد با رئیس جمهور کشورمان و در سفرهای مکرر خود به ایران علاقه خود به تحکیم روابط با جمهوری اسلامی ایران را بیان نموده است؛ چنانچه باور استراتژیکی در این راستا داشته باشد (و اظهارات فوق حالت تاکتیکی نداشته باشد)؛ باید بیش از پیش؛ این مثلث ضد ایرانی را مدیریت نماید و گرنه با آزادی عمل بخشهای ایران ستیز در جمهوری آذربایجان؛ روابط تهران باکو هیچ گاه به سطح مطلوبی نخواهد رسید؛ چرا که مثلث ضد ایرانی مذکور یک روزه اقدامات جامعه علمی دانشگاهی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در راستای حمایت از مردم مسلمان آذربایجان صورت می گیرد؛ جامه ضد آذربایجانی پوشانده و آن را به عنوان سوء استفاده از تشکلهای غیر دولتی جمهوری آذربایجان قلمداد می نماید و فردای آن روز ایران را به داشتن روابط صمیمانه ! با ارمنستان و عدم

حمایت از مسلمانان آذربایجان متهم می سازد و روز دیگر؛ پس از بروز یک مشکل داخلی در آذربایجان با تمام توان می کوشد با فرافکنی آن را به ایران نسبت دهد و یا هر گونه اقدام دینی مسلمانان آذربایجان در تعظیم مناسبت‌های اسلامی و شیعی را طرح خارجی برای براندازی توصیف نماید و... خلاصه اینکه مثلث یاد شده با ذهنیت کمونیستی و ضد دینی دوران اتحاد جماهیر شوروی تلاش دارد روابط تهران باکو را صرفاً با عینک امنیتی از نوع بدخیم دیده و تحلیل نماید و مناسفانه آقای " بنیاد حسین اف "؛ سفیر امنیتی جمهوری آذربایجان در تهران نیز وامدار همین مثلث فکری می باشد و لذا دلیل تلاشهای آشکار و نهان وی برای جلوگیری از برگزاری کنفرانس های اخیر در تبریز، زنجان و اردبیل کاملاً مشخص است .

در مقابل این بخش از حاکمیت تاثیرگذار آذربایجان؛ بخشهای دیگری که البته نفوذ و قدرت مثلث پیش گفته را ندارند؛ نه تنها مخالفتی با برگزاری این گونه برنامه ها و کنفرانس ها نمی نمایند، بلکه موافق حضور فعالان سیاسی اجتماعی آذربایجان در این گونه نشستها هستند. به عنوان مثال "حضور تشکیلات آزادی قره باغ" در کنفرانس اخیر شهر تبریز در قالب لایحه (پروژه) شورای دولتی حمایت از تشکلهای غیر دولتی جمهوری آذربایجان- که از شوراها تحت نظر رئیس جمهوری آذربایجان است- بوده و از این رو در کنفرانس ها و همایشهای اخیر؛ عنوان شورای یاد شده به همراه آرم رسمی دولت جمهوری آذربایجان در تابلوی پشت سر میهمانان آذری دیده می شود.

دلیل مخالفت داخلی

اکنون پس از بیان مطالب فوق ؛ لازم است به بحث اصلی این نوشتار بازگشته و به واکاوی دلیل یا دلایل مخالفین داخلی برگزاری این گونه کنفرانس ها و نشستها در شهرهای مختلف کشورمان بپردازیم :

- احتمال اول : ممکن است در وهله نخست چنین به نظر متبادر گردد که مجموعه مخالف با برگزاری این گونه برنامه ها که حسب وظائف ذاتی خود باید دغدغه جلوگیری از تحریکات قومی را داشته باشند؛ از این منظر به مخالفت اقدام نمایند؛ لیکن با بررسی وضعیت و سوابق سازمان های مردم نهاد و فعالان دانشگاهی و فرهنگی متولی برگزاری این کنفرانس ها به خوبی مشخص می شود که آنان از جمله افراد و مجموعه هایی هستند که در چارچوب سیاست جذب حداکثری مد نظر مقام معظم رهبری دغدغه پاسخگویی صحیح و روشنگرانه به ابهامات قومیتی را داشته و معتقد به لزوم تقویت همبستگی ملی و حرکت در راستای منافع اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند و درعین حال مسئولیت انسانی و اسلامی خود را فراتر از مرزهای سیاسی تعریف کرده و اجازه نداده اند که گذر زمان و اخم و لبخند برخی ها؛ آرمان های اصیل انقلابی اسلامی را در فکر و عمل آنان خنثی نماید.

ضمناً برگزاری این نشستها فرصت خوبی برای تنویر افکار عمومی داخل کشور به ویژه در مناطق شمالغرب و تبیین واقعیتهای موجود در خصوص سیاست خارجی ایران در قبال مناقشه قره باغ می باشد که همین موضوع یکی از مهمترین ابزارهای تبلیغات ناروا و ناصواب گروه های قومی خارج از خطوط نظام را از آنان سلب می نماید.

- احتمال دوم : طبق آنچه برخی رسانه های ارمنی ادعا کرده اند ؛ اعتراض دولت ارمنستان دلیل مخالفت برخی محافل دولتی جمهوری اسلامی ایران با برگزاری این کنفرانس ها بوده است. طبیعی است که این احتمال و ادعای رسانه های ارمنی هم نمی تواند منطبق با واقع باشد ؛ واقعا اگر محافل دولتی کشورمان از جمله دستگاه دیپلماسی کشور تحت تاثیر درخواست کشوری مانند ارمنستان به مخالفت عملی با برگزاری یک "کنفرانس علمی ضد اشغالگری غیر دولتی" در جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید ؛ آن موقع باید جایزه منفعل ترین دستگاه سیاست خارجی یک قرن اخیر را به دستگاه سیاست خارجی دولت تدبیر و امید اعطاء نمود؛ البته با توجه به مطالبی که در ادامه خواهد آمد یقیناً اینگونه نیست و ادعای برخی رسانه های ارمنی صرفاً نتیجه اخبار غلطی در مورد لغو همایش زنجان است که به آنها رسیده و آنها نیز با ذوق زدگی ؛ ادعای فوق را مطرح نموده اند.

- احتمال سوم : با منتفی شدن دو احتمال صدرا اشاره ؛ این فرضیه پیش می آید که چه بسا مخالفت های شدید و پیگیر برخی "محافل دولتی" در راستای صیانت از روابط دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان صورت گرفته باشد که این احتمال نیز منطبق با واقع به نظر نمی رسد : اولاً این گونه همایشها و نشست های مردم نهاد در راستای حمایت از مردم مسلمان جمهوری آذربایجان بوده و لذا دولت آذربایجان که در سطوح مختلف اعم از رئیس جمهور و... خواهان حمایت رسمی کشورهای اسلامی هستند، علی القاعده نمی توانند اعتراضی به برگزاری آن داشته باشند و چنانچه به هر دلیلی مخالف برگزاری این نشستها باشند باید به صورت رسمی و علنی آن را اعلام نمایند تا افکار عمومی آذربایجان به قضاوت صحیحی در خصوص دولت خود برسند. (لازم به توضیح است در پاییز سال 1392 و در جریان احضار کاردار وقت ایران به وزارت خارجه آذربایجان به منظور اعتراض به برگزاری همایش بین المللی قره باغ در دانشگاه تبریز؛ پس از رسانه ای شدن مخالفت رسمی وزارت امور خارجه آذربایجان با برگزاری این همایش؛ ده ها مقاله و مصاحبه توسط فعالان سیاسی اجتماعی آذربایجان در انتقاد از رویکرد دولت آذربایجان منتشر شد که در نهایت به توبیخ معاون وزیر خارجه آذربایجان منتهی گردید)؛ ثانیاً اگر دولت جمهوری آذربایجان رسماً مخالف برگزاری این گونه کنفرانسها باشد، چگونه است که یک تشکیلات رسمی این کشور با حمایت شورای دولتی حمایت از تشکلهای غیر دولتی در این همایش های سه گانه شرکت نموده است؟ و اگر دولت جمهوری آذربایجان مخالف برگزاری کنفرانس های فوق هست چگونه به مسئولین و روسای شناخته شده چندین حزب و تشکل سیاسی اجتماعی مانند رئیس حزب توسعه شهروندی؛ رئیس و معاون تشکیلات آزادی قره باغ ؛ رئیس اتحادیه روشنفکران جمهوری آذربایجان، رئیس جنبش مقاومت اسلامی آزادی قره باغ ، کارمند ارشد آکادمی علوم آذربایجان ، خیرنگارو سردبیر چند سایت پر مخاطب آذری اجازه شرکت در این همایش ها را داده است؟ و...

- احتمال چهارم : با توجه به مطالب فوق الاشاره ؛ آنچه واقعیت دارد اینکه مثلث پرنفوذ و تاثیر گذار ایران ستیز در جمهوری

آذربایجان با همه بخشهای وابسته (که گاه از فرط قدرت تاثیرگذاری در آذربایجان؛ دولت جمهوری آذربایجان خوانده می شود)؛ بنا به دلایل پیش گفته؛ اصالتا از طرف خود و نیابتا از طرف رژیم صهیونیستی مخالف هر گونه اقدام روشنگرانه در خصوص نقش مثبت و سازنده ایران در قره باغ و فراتر از این؛ مخالف هر گونه تلاشی برای توسعه روابط ایران و آذربایجان هستند و البته سعی می نمایند اقدامات ایران ستیزانه خود را با کمترین هزینه ممکن و در صورت امکان به حساب دیگران انجام دهند.

در حال حاضر؛ این مثلث ضد ایرانی بواسطه سفیرامینیتی خود در تهران؛ روابط به ظاهر دوستانه ای با رئیس نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در باکو برقرار نموده و مطالبات خود مانند عدم برگزاری کنفرانس های اخیر و... را از طریق وی پیگیری می نماید. نظر به اینکه رئیس نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در باکو علیرغم برخورداری از انگیزه قوی خدمت به منافع ملی جمهوری اسلامی به اقتضای مسئولیتهای قبلی خود آشنایی چندانی با ظرائف دیپلماتیک و مهم تر از آن با پیچیدگیهای "قدرت و سیاست" در جمهوری آذربایجان ندارد و در عین حال به دلیل سابقه حضور در مجموعه های امنیتی کشورمان و نمایندگی مجلس شورای اسلامی از توان تاثیر گذاری در برخی مجموعه های دولتی داخل کشور برخوردار است؛ طی ماه های گذشته اقدامات و کارسازی های ناخواسته ای در راستای اهداف و سیاستهای باند (مثلث) ایران ستیز جمهوری آذربایجان انجام داده است که مخالفت برخی مجموعه های دولتی با برگزاری کنفرانسهای اخیر تنها یکی از این اقدامات می باشد. طبیعی است این نوع اقدامات در میان مدت؛ هم روابط دو جانبه ایران و جمهوری آذربایجان را خدشه دار می نماید و هم منافع ملی ایران را در سایه اقدامات مکارانه یک باند ضد ایرانی و ضد شیعی قرار می دهد و این مساله شاید یکی از تبعات انتصاب سفارشی روسای نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مهم از میان رجال امنیتی باشد که در این نوشتار سعی گردید با رعایت ملاحظاتی مورد اشاره قرار گیرد و امید است اصلاح روندها و رفتارهای متضاد با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران؛ مانع از طرح بیشتر واقعیات تلخ در این خصوص گردد.

جمع بندی :

در بخش جمع بندی به منظور رعایت اجمال؛ صرفا با بیان اینکه در چند سال گذشته دولت تدبیر و امید؛ افزایش روابط همه جانبه با کشورهای همسایه مخصوصا جمهوری آذربایجان را یکی از الویتهای اصلی سیاست خارجی اعلام نموده و در همین راستا آقای دکتر روحانی در دیدارهای متعدد خود با رئیس جمهوری آذربایجان بر سیاست اصولی جمهوری اسلامی مبنی بر به رسمیت شناختن تمامت ارضی این کشور تاکید نموده است و... به طرح چند سوال بسنده می نمائیم:

آیا مخالفین دولتی برگزاری این گونه نشستهای علمی تبیینی؛ می پندارند بدون تنویر افکار عمومی و تبیین درست حقایق وارونه جلوه داده شده برای مردم جمهوری آذربایجان و صرفا با رفت و آمدهای سیاسی می توان به توسعه روابط همه جانبه قابل دوام دست یافت؟ چرا این دوستان دقیقا بر خلاف الویت اعلامی دولت مبنی بر لزوم توسعه همه جانبه روابط با کشورهای همسایه حرکت می نمایند؟ آیا برگزاری کنفرانس های علمی در چارچوب سیاست های رسمی کشور به منظور تبیین و تشریح سیاستهای اعلامی توسط دولتمردان جمهوری اسلامی؛ که مصداق عینی استفاده از ظرفیت فوق العاده دیپلماسی عمومی است شایسته حمایت است یا مستحق مخالفت؟! آیا رواست که عناصر خدوم برخی دستگاه های دولتی کشور در استانهای مختلف که در وضعیت کنونی بایستی تمام همت خویش را صرف مبارزه با رانت خواران و ناامن کنندگان فضای اقتصادی کشور نمایند؛ به صورت دستوری مجبور به اعمال فشار علیه متولیان اینگونه برنامه های علمی گردند که در نهایت هم نتیجه ای جز تغییر سالن برگزاری کنفرانس نداشته باشد!؟